

## مضمون پوچ‌گرایی در رمان شب هول

محسن گنجی\*

سید جمال‌الدین مرتضوی\*\*

### چکیده

اثر ادبی بدون نقش ارجاعی و تنها با تأکید بر عناصری که در ساختار ظاهری متن دیده می‌شوند، مضمون‌آفرینی می‌کند. در پژوهش حاضر با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی به تفهیم و تبیین نقد جامعه‌شناختی، مضمون و نقد مضمونی پرداخته شده است و پس از آن با توجه به مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که در روساخت متن بازتاب داده شده‌اند، پوچ‌گرایی به عنوان مضمون مرکزی رمان شب هول از خلال شبکه‌های کلامی و تصویری معرفی شده است. بنابراین پوچ‌گرایی اخلاقی منبع اندیشه ذهنی هرمز شهدادی است و وی آن را به وسیله تخیل به صورت غیرمستقیم در قالب کلمات، اشیاء، شخصیت‌ها و حوادث مختلف رخ داده در رمان، پرورش می‌دهد. تمامی این حوادث، شخصیت‌ها و مسائل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به عنوان شبکه‌ای از خرده مضامین در نظر گرفته شده‌اند که در نهایت به وحدت ختم می‌شوند و منتقد و مخاطب مضمون مرکزی پوچ‌گرایی را از خلال این شبکه‌های کلامی که در روساخت متن نمود یافته‌اند، دریافت می‌کند.

**واژه‌های کلیدی:** رمان شب هول، نقد جامعه‌شناسی، مضمون، نقد مضمونی، پوچ‌گرایی.

---

Email: peyman2605@gmail.com

\* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهرکرد (نویسنده مسئول)

Email: baharahang@yahoo.com

\*\* استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهرکرد

تاریخ دریافت: 98/11/20؛ تاریخ پذیرش: 99/2/8

## 1) مقدمه

نقد مضمونی یا نقد دنیای تخیلی یا نقد مبتنی بر آگاهی یکی از انواع نقد متن محور محسوب می‌شود که در قرن بیستم در کشور فرانسه مورد توجه بسیاری از نظریه‌پردازان قرار گرفت. در این روش مخاطب فعال و منتقد با خوانش دقیق متن به عمق اثر راه می‌یابد و مضمون مرکزی نهفته در اثر را دریافت می‌کند. آنچه در این نوع نقد مورد توجه قرار می‌گیرد، چگونگی ارتباط تخیل مؤلف با عناصر و حوادث جهان پیرامون است و اینکه چگونه بتواند گوناگونی‌های مختلف جهان پیرامون را در الگویی واحد ارائه دهد؛ مسئله‌ای که در نقد مضمونی حائز اهمیت است. ژرژ پوله یکی از بنیان‌گذاران اصلی نقد مضمونی «اساس مضمون را هویتی پنهان می‌داند که زیر پوشش‌ها و ظواهر متفاوت متن نهفته است و وظیفه منتقد را دریافت این هویت پنهانی می‌داند» (بابک معین، 1389: 20). این هویت پنهانی یا مضمون مرکزی در قالب کلمات، جملات، حوادث، شبکه‌های کلامی و تصویری نمود یافته‌اند که جهت‌گیری تخیل و آگاهی خالق اثر را روشن می‌کنند. به منظور کشف هسته مرکزی آگاهی و تخیل مؤلف بررسی و دریافت بسیاری از مسائل اجتماعی و فرهنگی که در روستاخت متن مطرح شده‌اند، می‌توانند راهگشای منتقد باشند. بنابراین با استفاده از نقد جامعه‌شناسی و شاخه اجتماعیات در ادبیات به بررسی مسائل اجتماعی و فرهنگی موجود در متن پرداخته می‌شود. از آنجایی که رمان انعکاسی از جهان واقعی است، بسیاری از مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در این نوع ادبی بازتاب یافته است. «نقد جامعه‌شناسی با توجه به عوامل بیرونی اثر ادبی، به بررسی و شناخت بسیاری از باورها، آداب و رسوم، ارزش‌ها، نهادها و فراروندهای اجتماعی می‌پردازد» (دستغیب، 1387: 78) و بسیاری از میراث‌های تمدنی و فرهنگی و اجتماعی در اثر ادبی بازتاب داده می‌شود.

آنچه با جهت‌گیری ما در این پژوهش همخوانی دارد، رویکرد بررسی اجتماعیات یا مناسبات اجتماعی در ادبیات است. به بیان ساده‌تر، منظور از اجتماعیات در ادبیات، «جستجوی بازتاب ویژگی‌های اجتماعی هر دوره تاریخی در آثار ادبی است که در آن دوره پدید آمده است» (وحید، 1387: 46). این مسائل به عنوان خرده مضامینی در نظر گرفته شده‌اند که مخاطب و منتقد را به هسته مرکزی آگاهی و تخیل خالق اثر رهنمون می‌شوند. در واقع وقتی ذهن با انبوهی از پدیده‌ها مواجه می‌شود، وحدت بخشی مفهومی است که انبوه پدیده‌ها را به یک آگاهی سوق می‌دهد (کاپلستون، 1388: 342). مضمون مرکزی پوچ‌گرایی به عنوان مفهومی وحدت‌بخش محسوب می‌شود که اکثر خرده مضامین سیاسی، اجتماعی و فرهنگی موجود در رمان شب هول را به یک آگاهی سوق می‌دهد. در واقع اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جهان بعد از

جنگ‌های جهانی، بستری مناسب را برای گرایش نویسندگان به تفکرات پوچ‌گرایانه را فراهم نمود. شرایط نابسامان محیط اجتماعی و اقتصادی بسیاری از افراد انسانی را به سوی بدبینی و پوچ‌گرایی می‌کشاند. این عامل به ویژه در عصر جدید موجبات اصلی پوچ‌گرایی است. هرگز شهدادی یکی از نویسندگانی است که از تفکرات پوچ‌گرایانه اثر پذیرفت و در رمان شب هول که از جمله بهترین آثار او به شمار می‌رود، بسیاری از مؤلفه‌های اندیشه‌ی نیهیلیستی دیده می‌شود. جستار پیش رو بر آن است تا با واکاوی اثر یادشده نشان دهد که نویسنده تا چه اندازه و چگونه از اندیشه‌های پوچ‌گرایی تأثیر پذیرفته و چگونه توانسته در رمان خود این مضمون مرکزی را بازتاب دهد. پرسش‌های این پژوهش عبارتند از: مضمون مرکزی رمان شب هول چیست؟ با توجه به چه عناصری به این مضمون مرکزی رسیده‌ایم؟ برای روشن نمودن این موضوع پس از نگاهی گذرا به نقد جامعه‌شناسی و نقد مضمونی در ادبیات فارسی و سپس اشاره به فلسفه پوچ‌گرایی و تعاریفی از آن و به کارگیری این اندیشه در آثار داستانی معاصر، به معرفی نویسنده و رمان شب هول پرداخته می‌شود تا در نهایت با خوانشی دقیق از رمان، از رهگذر خرده مضامینی که در متن دریافت شده‌اند، انطباق مؤلفه‌های مضمون مرکزی پوچ‌گرایی بر آن معلوم شود.

پژوهش‌هایی در مورد نقد مضمونی آثار نویسندگان مختلف انجام شده است؛ مقاله «فضای داستان شازده احتجاب از منظر نقد مضمونی» از معصومه حامی‌دوست و محمد علی خزانه دارلو (1392) که نویسندگان در این مقاله با جست‌وجوی مضامینی چون اشیاء، اشخاص، مکان‌ها، صداها و بوها که در متن تکرار شده‌اند به عنوان تصاویر برآمده از ناخودآگاه راوی، فضای این داستان را شرح داده‌اند. مرتضی بابک معین (1394) نیز در مقاله «مفهوم مضمون و آسیب‌شناسی نقد مضمونی» ضمن معرفی خاستگاه نقد مضمونی به اشکالات و آسیب‌شناسی این نوع نقد نوین در میان نظریه‌پردازان پرداخته است. مقاله «دو مفهوم آب و آتش در هم‌نوائی شبانه ارکستر چوب‌ها» از الهه سادات هاشمی و ژاله کهنمویی‌پور (1392) که در آن ضمن معرفی این نقد به دو مضمون مرکزی آب و آتش در این اثر اشاره شده است. مقاله «بررسی زمان در داستان دخمه‌ای برای سمور آبی» از معصومه حامی‌دوست و محمد علی خزانه‌دارلو (1394)؛ در این مقاله مفهوم زمان مبنای تخیل نویسنده در نظر گرفته شده که در آفریدن مفاهیمی چون عشق، انتظار و امید تأثیر به‌سزایی دارد. راضیه حجتی زاده (1396) نیز در مقاله «تحلیل جغرافیای نمادین مکان کهف در تفسیر عرائس البیان روزبهان با رویکرد نقد مضمونی» دو مفهوم زمان و مکان را مضامین مرکزی می‌داند که به صورت نمادین در پس‌زمینه متن قرار می‌گیرند و با همین نگاه به نگرش عرفانی روزبهان در عرائس‌البیان می‌پردازد. مقاله «بازتاب

آب (آب جوانی، آب ناپاک، آب محتضر) در سه اثر از کولت» از فرناز ارفعی‌زاده و فرانک اشرفی (1395) که عنصر آب را به عنوان مضمون مرکزی آگاهی و تخیل نویسنده می‌داند که به شیوه‌های گوناگون در متن نمود یافته است. رساله «نقد مضمونی و بازجست مؤلفه‌های آن در داستان‌های هوشنگ گلشیری» از معصومه حامی‌دوست (1394) نیز ضمن معرفی آراء همه منتقدان در زمینه نقد مضمونی و خاستگاه آن، به معرفی مبانی فکری و روش شناختی نقد مضمونی در داستان‌های هوشنگ گلشیری می‌پردازد.

با توجه به تحقیقات صورت گرفته در زمینه نقد مضمونی این نکته برداشت می‌شود که هنوز اتفاق نظر کاملی در این شیوه و به‌کارگیری آن در داستان و اثر ادبی به دست نیامده است و هر کدام از تحقیقات انجام شده، برداشت متفاوتی از این شیوه دارند. برخلاف پژوهش‌هایی که در زمینه نقد جامعه‌شناسی انجام شده است و به بازنمایی صرف مسائل اجتماعی پرداخته شده است، این پژوهش تلفیقی از نقد مضمونی و نقد جامعه‌شناسی است و با توجه به مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی موجود در متن و در نظر گرفتن آنها به مثابه شبکه‌های کلامی و تصویری برآمده از تخیل نویسنده، در نهایت به مضمون مرکزی رمان شب هول اشاره می‌شود.

در پژوهش حاضر به فراخور بحث از برخی نظریه‌های ادبی همچون نظریه‌های جامعه‌شناسی و نقد مضمونی بهره گرفته و در نهایت، مضمون مرکزی رمان شب هول را با توجه به خرده مضامین (مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی) طرح خواهد شد.

## 2) مبانی نظری پژوهش

### 2-1) جامعه‌شناسی ادبیات

جامعه‌شناسی ادبیات - یکی از شاخه‌های جامعه‌شناسی هنر - ساخت و کارکرد اجتماعی ادبیات و ارتباط میان جامعه و ادبیات و قوانین حاکم بر آنها را بررسی می‌کند (ستوده، 1378: 56). نقد جامعه‌شناسی نخستین بار در آرای گروهی از منتقدان از جمله مادام دواستال (1766 - 1817م)، هیپولیت تن (1828 - 1893م)، کارل مارکس (1883 - 1818م) و فردریک انگلس (1895 - 1820م) پدیدار شد و به عنوان یکی از حوزه‌ها و قالب‌های نقد ادبی به کار رفت (ستوده، 1378: 56؛ کوثری، 1379: 16). پس از مارکسیست‌ها، دو تن از صاحب نظران بزرگ یعنی جورج لوکاچ (1885 - 1971م) و پس از او لوسین گلدمن (1970 - 1913م) تحولات چشمگیری در زمینه نقد اجتماعی ایجاد کردند.

از این میان، آنچه با جهت‌گیری ما در این پژوهش همخوانی دارد، رویکرد بررسی اجتماعیات یا مناسبات اجتماعی در ادبیات است که در ایران در دهه پنجاه و با دکتر غلامحسین صدیقی آغاز

می‌شود و البته از رویکرد انتقادی یا جامعه‌شناسی ادبیات هم غافل نبوده‌ایم. توضیح اینکه، در تعریف پایه‌ای گفتمان اجتماعیات در ادبیات گفته شده است: «محقق سنت اجتماعیات در ادبیات، به شناخت آداب و رسوم جامعه و یا نگرش اجتماعی کم و بیش آشکار شاعران و نویسندگان دوره‌های مختلف علاقه‌مند است و به جستجوی مصادیق مفاهیم جامعه‌شناختی در متون ادبی می‌پردازد» (لوونتال، 1386: 8). که البته در این تعریف و تعاریف مشابه آن، به نوع بیان هنرمندانه و یا عادی هنرمند در اثرش توجهی نشده است و ظاهراً با این تعریف است که امثال شکوفسکی و آیخن‌بام با این رویکرد در بررسی آثار هنری همراه نیستند.

آیخن‌بام همراه با موکاروفسکی معتقدند این رویکرد، به اثر ادبی چون فرآورده مکانیکی اجتماع می‌نگرد. او بر شناخت جهان از راه متن تکیه دارد و نه شناخت متن از راه جهان. اما به نظر می‌رسد که اگر به بیان هنرمندانه صاحب اثر و بینش اجتماعی او در این رویکرد بیشتر توجه شود، بخشی از دلایل این متفکران فرمالیست برای مخالفت با آن، پاسخ داده می‌شود. در این صورت، فاصله میان دو رویکرد بررسی اجتماعیات در ادبیات و رویکرد انتقادی و یا جامعه‌شناسی ادبیات کم می‌شود، و اثر هنری، دیگر فرآورده‌ای مکانیکی به شمار نمی‌رود.

در باب رویکرد انتقادی یا جامعه‌شناسی ادبیات گفته‌اند: در سنت انتقادی، جامعه‌شناس از طریق تحلیل متون ادبی، درصد یافتن نشانه‌ها و فرانمودهای آگاهی جمعی هر مکان-زمان و شناخت تحولات آن در ارتباط با تحولات اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی است (لوونتال، 1386: 8). از پیشروان این جریان می‌توان به جورج لوکاچ و لوسین گلدمن اشاره کرد. درباره گلدمن می‌توان گفت که به طور کلی «روش او پیدا کردن جهان‌بینی پنهان اثر و ربط آن به یک گروه اجتماعی است» (شمیسا، 1383: 256). ادبیات بیان حال جامعه است و وضعیت جامعه را در هر دوره بازتاب می‌دهد. همچنین «ادبیات نسخه بدل زندگی، و برخی آن را در حد مدرک اجتماعی و تصویری فرضی از واقعیت‌های اجتماعی می‌دانند و معتقدند می‌توان از ادبیات نکته‌های کلی تاریخ اجتماع را به عنوان یک سند اجتماعی به دست آورد» (ولک، 1373: 110). به هر حال تفاوت میان این دو رویکرد، در پاره‌ای موارد چنان محسوس نیست. ظاهراً به همین دلیل است که شفیع کدکنی در مقدمه مفلس‌کیمیا فروش درباره بحث‌های ادبی جامعه‌شناختی عمیق کتاب می‌گوید که این مباحث «اگر جامعه‌شناسی ادبیات فارسی نباشد، بحثی خواهد بود از مقوله اجتماعیات در ادبیات.» (شفیع کدکنی، 1389: 9). اجتماعیات در ادبیات با هدف بررسی آثار ادبی و «استخراج، طبقه‌بندی و توصیف پیام و مضامین اجتماعی - سیاسی و فرهنگی و تاریخی است که آثار ادبی به مخاطبان خود انتقال داده‌اند» (فاضلی، 1374: 130).

## 2-2) مضمون و نقد مضمونی

تعاریف بسیاری از مضمون ارائه شده است از جمله «گورکی می‌نویسد: مضمون، عبارت از اندیشه‌ای است که از تجربه مؤلف اخذ می‌شود، اندیشه‌ای که خود زندگی در اختیار او نهاده است؛ ولی در انبان تأثرات او به صورت خام شکل گرفته، او را برمی‌انگیزد که بکوشد تا آن را به شکلی نو درآورد» (میرصادقی، 1394: 232)؛ «مضمون اندیشه اصلی داستان است. پیام داستان است که با زبان نویسنده گفته نمی‌شود ولی خواننده آن را می‌شنود؛ با قلم نویسنده نوشته نمی‌شود ولی خواننده آن را می‌خواند. مضمون، معنای داستان است. معنایی که نویسنده به موضوعی می‌بخشد یا از آن اخذ می‌کند و در ذره ذره تار و پود شکل داستان متجسّدش می‌سازد» (ایرانی، 1364: 28)؛ بوریس توماچوسکی فرمالیست روس نیز مایه غالب را واحد پایه و دقیق تر بگوییم «کوچکترین جزء مصالح مضمونی» یک اثر تعریف می‌کند. در نزد صاحبان ادبیات تطبیقی این دو اصطلاح یکی هستند. طبق تعریفی که از مایه غالب ارائه شده است، این اصطلاح جزئی از مضمون شناخته می‌شود (سمیعی گیلانی، 1386: 55).

گاهی میان مضمون و اصطلاحات هم ارزی چون موتیف، مایه غالب، بن مایه، تم، درون مایه و ... ضمن وجوه تمایز میان آنها به شباهت‌ها و هم معنایی با این اصطلاحات اشاره کرده‌اند. اما در این پژوهش تمامی اصطلاحات هم‌ارز با مضمون به یک مفهوم پنداشته می‌شوند و همگی بیان‌کننده خرده‌مضمایی هستند که با تکرار در متن به شیوه‌های مختلف مضمون مرکزی اثر را پرورش می‌دهند.

نقد مضمونی که ریشه‌های اصلی آن را باید در نظریات مکتب آلمان، نظریات پروست و باشلار دانست و نقد مبتنی بر تخیل یا نقد مبتنی بر آگاهی است که افرادی چون ژرژ پوله، ژان پیر ریشارد، ژان روسه، ژان استاروینسکی از از بنیان‌گذاران این نقد محسوب می‌شوند. از دیدگاه پوله نقد مضمونی مبتنی بر تلفیق دو آگاهی: نویسنده و منتقد است و پوله در اثر هنری به دنبال آگاهی آغازین و بنیادینی است که دائماً در حین شکل‌گیری اثر به وجود می‌آید و به وسیله این نقد می‌توان به کشف آگاهی آغازین (COGITO) نویسنده به واسطه اثر پی برد. آگاهی آغازینی که به وسیله تخیل خلاق و فردی و عمیق نویسنده در قالب ساختارهای کلامی و زبانی شکل گرفته و منتقد با همدلی و تلفیق (خوانش چندباره متن و فراموش کردن تمام تمایلات و باورهای خود) با متن است که می‌تواند به این مضمون دست یابد. برخلاف مضمون در معنای سنتی که معتقد است آگاهی‌ای از پیش تعیین شده و پردازش شده در ذهن شکل می‌گیرد و خالق اثر هنری با نیروی تخیل در قالب متن آن را بروز می‌دهد، این نقد به شکل‌گیری آگاهی و متن در یک زمان معتقد است و تخیل، آگاهی و متن با هم هماهنگ هستند. نقد مضمونی

متن را جایگاه هسته مرکزی انتزاعی، درونی و احساسی نویسنده می‌داند که به وسیله تخیل گسترش می‌یابد. تخیل و آگاهی مهمترین کلید واژه‌ها در این دو مفهوم است که در یکی به صورت از پیش تعیین شده و در دیگری در لحظه به وجود می‌آید. در نقد مضمونی، تم یا مضمون دیگر سوژه یا موضوعی نیست که نویسنده آگاهانه در اثر خود به آن می‌پردازد؛ بلکه دقیقاً اشاره به هسته مرکزی دنیای تخیلی نویسنده دارد که در اثر به طور مداوم به صورت‌های مختلف، در شبکه‌های کلامی و تصویری تکرار می‌شود. مضمون یکی از رویکردهای روش‌شناسی و عناصر داستان است که بیشتر در زمینه ادبیات تطبیقی به کار می‌رود؛ حال آن‌که در نقد مضمونی، به متن ادبی از منظری متفاوت نگریسته می‌شود و یکی از انواع نقد نوین محسوب می‌شود.

### 2-3) پوچ‌گرایی

نیپیلیسم یا هیچ‌انگاری برگرفته از واژه لاتین nihil به معنای «هیچ‌چیز»، فلسفه نفی، رد یا انکار بعضی یا تمام جوانب اندیشه یا حیات است (کراسبی، 1383: 107). پوچ‌گرایی یا اندیشه‌ای فلسفی است که زندگی را بدون معنا و فارغ از ارزش‌های اخلاقی می‌داند. در این تفکر مرگ تمامی امکان‌ها برای غلبه بر یأس و ناامیدی را ممکن می‌سازد. از طرفی پوچ‌گرایی بیانگر فرم خاصی از مادی‌گرایی و عصیان علیه نظم اجتماعی موجود است. «برای یک نیپیلیست نه تنها جهان و زندگی بی معناست، بلکه ناامید از یافتن معنا توسط ایدئولوژی‌ها و اندیشه‌های متافیزیکی است» (زمانیان، 1385: 92). در نیپیلیسم انسان به یأس و نومیدی رسیده و هیچ غایتی که انسان به آن توسل جوید، وجود ندارد. فروم معتقد است زمانی که امید از بین می‌رود، زندگی بالقوه و بالفعل پایان می‌پذیرد، نیپیلیسم اگرچه محصول مستقیم ناامیدی است اما به نوبه خود ناامیدی و یأس را تشدید می‌کند» (زرشناس، 1385: 21). نیپیلیسم همواره یکی از دغدغه‌های انسان بوده که ریشه در فجایع، مصیبت‌ها، ناکامی‌ها و شکست‌های انسان در برابر حیات دارد. «این اندیشه وضعیت روانشناختی و معرفت‌شناختی انسان را نشان می‌دهد که در آن معنای زندگی و هستی از دست می‌رود و شرایطی اضطراب‌آفرین و یأس‌آور بر انسان حاکم می‌شود» (مشایخی و دهنوی، 1390). وضعیتی روانشناختی و رویکردی است انتقادی به تمام ارزش‌ها، دین، اخلاق، مرگ و ... که فرد را در برابر انکار، شک و تردید در برابر همه چیز قرار می‌دهد. اصطلاح مذکور به شکل مکتبی فلسفی و عمده در نوشته‌های نویسندگانی چون آلبر کامو، ژان پل سارتر، ساموئل بکت و ... به کار گرفته شد.

### 3) خلاصه رمان

شب هول رمانی است که با سه راوی مختلف روایت می‌شود و در آن جوانی به نام اسماعیل، پدر بیمارش ابراهیم را که دچار حمله قلبی شده است، از اصفهان به بیمارستانی در تهران می‌برد. در طول این مسیر اسماعیل و راننده با هم به گفتگو مشغول می‌شوند و شهرها و مکان‌هایی را معرفی می‌کنند که با آنها مواجه می‌شوند. در ادامه مسیر راننده شروع می‌کند به حرف زدن با اسماعیل و ارتباطش را با ابراهیم جویا می‌شود. در حین این گفتگو اسماعیل شهر اصفهان و محله‌های آن را به راننده معرفی می‌کند و پس از آن به حملات مختلفی که در دوره‌های مختلف به اصفهان شده از جمله حمله مغول‌ها، تیموریان، ترکمان‌ها و در نهایت افغان‌ها اشاره می‌کند، که در تلفات جانی و مالی بسیاری برای اهالی اصفهان داشته است، اما همچنان زنده و پابرجاست. و در نهایت با گذشت چندین ساعت، صبح هنگام به بیمارستان مدیری در تهران می‌رسند. راوی دیگر، هدایت اسماعیلی، فرزند ابراهیم و استاد دانشکده حقوق در دانشگاه تهران است که همزمان با اعتراضات دانشجویی و حضور نیروهای نظامی در دانشگاه، یادداشت‌های نیمه تمام خود را برمی‌دارد و از دانشگاه بیرون می‌رود. او در کافه‌ای می‌نشیند و به مرور خاطرات و ذهنیاتش می‌پردازد. هدایت اسماعیلی که راوی سرگذشت اجدادش است، از سرگذشت داعی و ابراهیم سخن می‌گوید. او در این میان، از جریان‌های جامعه‌شناسی، ادبیات، روانشناسی، حقوق زنان و جریان ازدواج و طلاقش سخن می‌گوید.

هادی ابراهیمی که احتمالاً یکی از اعضای ساواک بوده، دیگر راوی داستان است و پسر فردی یهودی که بنا به اتفاقاتی که در دوران کودکی برای او پیش آمده بود، اکنون فردی بی‌رحم است که به طرق گوناگون به دنبال خالی کردن عقده‌های خود است. وی بنا به مشکلاتی که با خاندان اسماعیلی از جمله ابراهیم اسماعیلی دارد او را با توطئه به زندان می‌افکند و پس از شکنجه‌های بی‌رحمانه او را دیوانه می‌خواند.

### 4) نموده‌های اجتماعی - فرهنگی شب هول

منظور از نموده‌های فرهنگی - اجتماعی، خرده‌مضامینی هستند که به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر روند ایجاد مضمون مرکزی پوچ‌گرایی تأثیری به‌سزای داشته‌اند و غالباً ناهنجاری‌ها و وضعیت‌های نامطلوبی هستند که در روایت رمان نمود یافته‌اند. شخصیت‌هایی که در این رمان به آنها اشاره شده است مربوط به دوران معاصر هستند که بسیاری از ارزش‌ها مانند عشق، عدالت، مردانگی، شجاعت و ... برای آنها معنی تهی کرده است. بر اثر همین وضعیت و حوادث است که شخصیت‌های اصلی رمان شب هول آدم‌هایی سرگردان و بی‌هدفند



که دچار پوچی و بی‌معنایی در زندگی شده‌اند. هرمز شهدادی به عنوان نویسنده شارح وانهادگی و معنابخستگی در زندگی انسان معاصر، به گونه‌های متعددی این پوچ‌گرایی را در اثرش متجلی می‌کند. فضای نابسامان و جو خفقان آمیز حاکم بر جامعه دوران نویسنده باعث شده است که شهدادی در خلق رمان شب هول، بی‌تأثیر از اندیشه‌های نهیلیستی نباشد

#### 4-1) عصیان در برابر ارزش‌های اجتماعی و ساختارهای حاکم

در این رمان شخصیت‌ها نسبت به ارزش‌های اجتماعی و احزاب و گروه‌ها بدبین و بی‌توجه هستند، بسیاری از ارزش‌ها را زیرپا می‌گذارند و به هر شیوه‌ای در برابر قوانین حاکم بر جامعه عصیان می‌کنند. در تفکر نهیلیستی انسان برای اینکه به اصالت ماهیت خود پی ببرد، تمامی راه‌های غیر اخلاقی و اجتماعی را به کار می‌گیرد (نوالی، 1390: 30).

#### 4-2) بدبینی

بدبینی و عقیده بر اینکه هر چیزی که در دنیا هست پست و بی‌ارزش است و عقده‌ای روانی است که از جانب فرد حول موضوعات پیرامون خود صورت می‌گیرد. چنان که از رمان شب هول برمی‌آید شهدادی دیدگاه مثبتی به حزب توده و مصدق و احزاب دیگر ندارد، اگرچه حزب توده و مصدقی‌ها در جریان ملی شدن صنعت نفت تأثیر به‌سزایی داشتند اما اوایل امر مخالف هم دیگر بودند و مصدق سیاست‌های حزب توده را متأثر از شوروی می‌دانست؛ بنابراین اختلاف میان حزب توده و مصدق، اختلاف میان شوروی و آمریکا بود. به همین دلیل، هادی ابراهیمی روی خوشی به این جریان‌ها نشان نمی‌دهد:

«همه‌شان سروته یک کرباسند. توده‌ای‌ها، مصدقی‌ها، حزب بازی می‌کردند و دنبال منافع خودشان بودند» (شهدادی، 1357: 204). راوی، حزب توده و مصدقی‌ها را خودفروش‌های بیگانه پرستی می‌داند که هیچ‌گونه آزادی از خودشان ندارند و خواسته‌های کشورهای دیگر را عملی می‌کنند:

«بنده که سنی ازم گذشته است ایام جنگ جهانی دوم را به یاد می‌آورم. سال‌های قحطی را. سال‌های مصدقی‌ها و توده‌ای‌ها را. خودفروش‌های بی‌وطن. اجنبی پرست‌های وطن فروش. مملکت را تبدیل کرده بودند به صحنه میتینگ و تظاهرات. والا ما پیرمردها که این چیزها را دیده‌ایم قدر امنیت داخلی و سیاست مستقل ملی را می‌دانیم» (همان: 221).

هدایت اسماعیلی به زنش بدبین است و گمان می‌کند با محمدی ارتباط دارد و این بدبینی جدایی میان آنها را پررنگ‌تر می‌کند.

#### 4-3) دزدی

راوی رمان شب هول به دزدی‌ها و اختلاس‌ها در نظام اداری اشاره می‌کند. ابراهیم ارباب‌زاده‌ای است که اکنون در شهر و در امور اداری مشغول به کار است، اما برخلاف دیگران که به انواع دزدی دست می‌زنند او راهی جداگانه در پیش می‌گیرد و در دزدی‌های آنان شرکت نمی‌کند: «او تافته جدا بافته است. او دزد نیست.» (همان: 115).

#### 4-4) جنگ و کشتارهای جمعی

از جمله بحران‌های زاییده عصر جدید و ناشی از پوچ‌گرایی، بی‌هویتی است که توسعه آن موجب نوعی از خود بیگانگی انسان از خویشتن و دور افتادن از طبیعت ناب خود می‌شود و به دنبال این بی‌هویتی مسأله سلاح‌های کشتار جمعی و جنگ و تروریسم گسترش می‌یابد. جنگ طلبی و اشاره به جنگ‌های مختلف که همراه با قتل، غارت و حملات مکرر است از روحیات فرد پوچ‌گرا است «یونانی‌ها حمله کردند، عرب‌ها حمله کردند، ترک‌ها حمله کردند» (همان: 5). هدایت اسماعیلی هنگام دیدار با ابوالفضل با گوش دل به سخنان او درباره جنگ‌ها و جزئیات سرگذشت کشورهای تحت استعمار سخن می‌گوید: «تلویزیون می‌گوید سربازهای اسرائیلی با دینامیت و نارنجک خانه‌های آوارگان فلسطینی را ویران می‌کنند... تلویزیون حتماً بمب‌های خوشه‌ای را نشان می‌دهد که توی اردوگاه آوارگان فلسطینی منفجر شده است و هر تکه‌اش دو یا سه آدم را تکه پاره کرده است» (همان: 146-147). ابوالفضل که روشنفکری مایوس است به جزئی‌ترین مسائل اطراف خود هم توجه می‌کند و از جنگ‌ها و ظلم کشورهای قدرتمند بر کشورهای ضعیف اشاره می‌کند: «تلویزیون می‌گوید آمریکایی‌ها دوبرابر مقدار همه بمب‌هایی که در جنگ جهانی دوم مصرف شده است ریخته‌اند بر روی ویتنامی‌ها.» (همان: 147).

#### 4-5) زندان و شکنجه

در رمان شب هول، زندان مکانی است سیاسی و شکنجه‌گاهی که ابراهیم پس از تحمل شکنجه‌های طاقت‌فرسای جسمی و روحی، با حکم دکتر زندان، بیمار روانی تلقی و از کار در امور اداری و دولتی محروم می‌شود. در واقع، نظام حاکم بر این داستان و تصویری که از زندان‌های جامعه دهه چهل و پنجاه ارائه می‌شود، تصویری از شکنجه‌های رقت‌آور و هولناکی است که بر زندانیان اجرا می‌شود. ابراهیم اسماعیلی که اکنون در دستگاه دولت کار می‌کند، توسط پاپوشی که هادی ابراهیمی برای او می‌دوزد راهی زندان می‌شود. دکتر فاضل پزشک

زندان با تزریق انسولین به او، پس از مدتی او را دیوانه خطاب می‌کند و بدین نحو نقشهٔ شوم ابراهیمی عملی می‌شود و خصومت شخصی و عقده‌های خود را اینگونه خالی می‌کند: «تا می‌توانی و تا جایی که جسمش تاب بیاورد به‌اش آمپول انسولین تزریق کن. می‌دانستم. می‌دانستم که شوک انسولین چه بلایی سر آدم می‌آورد» (همان: 247).

#### 4-6) رشوه

در رمان *شب هول* هادی ابراهیمی می‌کوشد برای به دست گرفتن شهرداری اصفهان دست به هر کاری بزند و از طریق وزیر، شهردار شهر اصفهان می‌شود. ابراهیمی برای اینکه نقشه‌ای برای ابراهیم بکشد و او را به دردسر بیندازد به وسیلهٔ یکی از کارمندانش به او پیشنهاد رشوه می‌دهد و در این حین با رویکرد انتقادی خود نقبی هم به رشوه گرفتن و رشوه دادن مردم اصفهان می‌زند: «اصفهان خوب بلد است رشوه بدهد. خوب هم رشوه می‌دهد. همانطور که خوب بلد است رشوه بگیرد. خوب هم می‌گیرد» (همان: 254). ابراهیمی با انتخاب یکی از کارمندان مورد اعتماد خود به عنوان وکیل ملاکین شهر اصفهان و پیشنهاد رشوه به ابراهیم نقشهٔ شوم خود را عملی می‌کند و او را از کار بیکار می‌کند: «وقتی با ابراهیم اسماعیلی رئیس کمیسیون حقوقی وارد مذاکره شدی پیشنهاد صاحبان زمین را بده. گفت روی تخم چشم قربان. بر طبق طرح نوسازی زمین‌ها باید پارک می‌شد ... وکیل بی ریش گفت چقدر به ابراهیم اسماعیلی پیشنهاد کنیم. گفتم ده‌هزار تومن ...» (همان: 257).

#### 4-7) اختناق سیاسی

پس از انقلاب 1357 دانشگاه عملاً محل فعالیت‌های سیاسی شده بود و دانشگاه و دانشجویان به کانون اصلی مخالفان جمهوری اسلامی تبدیل شد. حضور نظامیان در دانشگاه و مقابله با تشنج‌های این دوره، در نهایت به انقلاب فرهنگی انجامید و بسیاری از اساتید بهائی و روشنفکر به اصطلاح غرب‌زده از سیستم آموزشی کنار گذاشته شدند. هدایت اسماعیلی به عنوان فردی روشنفکر و بهائی خود را از این مهلکه نجات می‌دهد و از دانشگاه خارج می‌شود:

«اسماعیلی نشسته بر صندلی پشت میز. نیمکت‌ها انباشته از دختر و پسر. صدای هیاهو. همه‌م هول. شروع کرده‌اند. کف کفششان را بر زمین می‌کوبند... همین جا. شرق شرق شرق. ترق ترق ترق. می‌کوبند موزون. مثل زنجیر زدن و سینه زدن توی دسته در شب عاشورا. وای حسین کشته شد! وای حسین کشته شد! شرق شرق شرق...» (همان: 17-18).

و اینگونه راوی مخاطب را از جو ساسی و اختناق حاکم بر داستان آگاه می‌کند: «سربازان گارد را در جلو هر دانشکده پیاده می‌کنند. اینان سراپا مجهزند. کاسکت‌هایی بر سر دارند که صورتشان را در نقاب می‌پوشاند. سپرهایی به دست دارند که اندامشان را مخفی می‌کند. هر یک باطومی در دست دارند... با دستگاه بی سیم به مرکز وصل شده‌اند. مرکز سرنخ را می‌کشد. و ناگهان به راهشان می‌اندازد و می‌دوند. باطوها را می‌چرخانند...» (همان: 165-166). ظلم و استبداد، فقدان امنیت، خفقان سیاسی، دزدی و شکنجه به خاطر آشفتگی‌های اقتصادی و سیاسی حاکم بر جامعه از مؤلفه‌های پوچ‌گرایی‌ای است که در این دوران نصیب افراد جامعه شده است.

#### 4-8) اعتیاد

رمان شب هول که روایتی از بدبختی‌ها، اضطراب، بیکاری، فقر و جنبه‌های حیوانی زندگی بشری است؛ بنابراین جلوه‌های اعتیاد در آن نمود ویژه‌ای دارد. اینجاست که مردم برای برون رفت از رنج حاصل از این مشکلات به سمت اعتیاد کشیده می‌شوند. راننده‌ای که ابراهیم اسماعیلی را از اصفهان به تهران می‌برد به دلیل تأمین مخارج زندگی خود و خانواده و فشار و اضطرابی که رانندگی در مسیرهای طولانی به او می‌آورد به سیگار پناه می‌برد. راننده با روی آوردن به سیگار، اندکی از این وضعیت کسالت آور و مضطرب رها می‌شود: «سبیل دارد و سیگار می‌کشد و هنگام راندن با انگشت بر لبه فرمان می‌زند.» (همان: 8)، هدایت اسماعیلی استاد دانشکده حقوق، هنگام ورود نظامیان در دانشکده و کلاس‌ها بیشتر حواسش به سیگارش است که آیا آن را آورده است یا خیر؟ «هرجا. سیگار. سیگار یادم نرود. شاید توی داشبورد ماشین باشد» (همان: 18). هدایت اسماعیلی، زمانی که به گذشته برمی‌گردد و از دوره داعی سخن می‌گوید، به زنش آصفه اشاره می‌کند که بساط تریاک را برای داعی آماده می‌کرد: «آصفه که در خانواده‌ای مذهبی بار آمده بود بزرگوارانه شراب‌خواری داعی را نادیده می‌انگاشت و هنگامی که داعی از او می‌خواست بساط تریاک کشیدن عصر را فراهم آورد، زن بی دغدغه پذیرفت» (همان: 49). راوی همچنین به سیگار کشیدن مردم نائین اشاره می‌کند: «حالا، همه مردان نائین گرداگرد حسینی در غرفه‌ها نشسته‌اند. گپ می‌زنند. سرفه می‌کنند. سیگار می‌پیچند. چپق چاق می‌کنند. و حرف می‌زنند. نوگ‌آبادی‌ها هم سرفه می‌کنند، سیگار می‌پیچند، چپق چاق می‌کنند و حرف می‌زنند» (همان: 52).

ابراهیم که ارباب‌زاده است و از طریق پدر ثروت کلانی به او رسیده است، زمانی که از شهر به روستا می‌آید همراه با دیگر اربابان در صفا می‌نشیند و تریاک می‌کشد: «از عصر در پشت منقل، بر شاه نشین صفا یله داده است. ارباب‌ها همه تریاکی‌اند. می‌آیند. گرداگرد منقل می‌نشینند.

هریک وافوری و قوطی تریاکدانی از جیب بیرون می‌آورد. تریاک‌ها را به یکدیگر نشان می‌دهند. دربارهٔ جنس آنها بحث می‌کنند» (همان: 72-73). ابراهیم که در شهر زندگی می‌کند، زمانی که از سر کار برمی‌گشت به پای منقل می‌رفت و تریاک می‌کشید: «صبر می‌کرد تا حقه داغ بشود. بعد بست را می‌چسباند. تشنه، گرسنه، آزمندانه و عاشقانه بر نی وافور می‌دمید. نی را می‌مکید. نفسی که تا دمی پیش به سختی از دهانش بر می‌آمد اکنون شتابان هوا را از سوراخ ریز روی حقه بر سطح گل آتشی می‌دمید» (همان: 123-124).

در بخش‌های زیادی از این رمان، از مهمانی‌های شبانه و مصرف الکل و قمار سخن گفته می‌شود. آقای قربانی مردی بیکار است که همواره در خانه عرق می‌خورد و به جان زن و بچه‌هایش می‌افتد: «محمد علی نمی‌رود مدرسه، می‌رود توی کوچه قاب می‌ریزد، فاطمه به جای رفتن به کلاس درس می‌رود به سینما و تو قرمساق به فکر عرق خوری هستی» (همان: 26). ابراهیم که ثروت بسیاری از پدر به او رسیده و ارباب زاده است پس از مدتی به قمار و «عرق‌خوری» روی می‌آورد: «به زودی پسر جوان دوستان اعیان بسیار پیدا می‌کند. سرگرمی توانگران کشیدن تریاک و قماربازی و میخوارگی است» (همان: 66).

در این رمان، حتی زنان هم از غم ناداری و رهایی از غم و رنج به تریاک پناه می‌برند. کلفت خانۀ ابراهیم که الان در گوشه‌ای از شهر همراه زنان دیگر به وسیلهٔ فال و گدایی شکم خود را سیر می‌کردند، روزی یک بست تریاک می‌کشید: «هاجر خود را تا پای منقل بر زمین کشاند. یله داد. پیرزن نی وافور را بر دهانش گذاشت. هاجر دمید و مکید. دود، تا لحظه‌ای، از دهانش بیرون نیامد» (همان: 163).

#### 4-9) مفاسد اخلاقی

راوی شب هول به پسر بچه‌هایی اشاره می‌کند که به‌عنوان غلام فروخته می‌شدند و ابزار سوأ استفاده‌های جنسی قرار می‌گرفتند: «اینان را می‌خریدند، اخته می‌کردند و پس از لواط به دیگری می‌بخشیدند ... رسم بر این بود که کار ادارهٔ حرمسرا را به اینان واگذار می‌کردند و هریک به مرور زمان راه و رسم شاهد پروری را می‌آموخت» (همان: 48). در جایی دیگر از داستان، هدایت اسماعیلی با دیدن اندام لخت زن همسایه دچار شهوت می‌شود: «از پشت پنجره زن را می‌بینم که زیر پیراهن رکابی بر تن دارد. مویش بر شانه‌ها ریخته است ...» (همان: 108)، لات‌ها و جاهل‌هایی هم هستند که کودکان را در خیابان می‌گرفتند و به آنها تجاوز می‌کردند: «می‌دانستم که بچه بازها علاوه بر جلو مدارس پسرانه، جلو در سینما جمع می‌شوند. تازه فرقی نمی‌کند. در هر جا که باشی، چه در کوچه و خیابان، ناگهان مردی به آدم نزدیک می‌شود و آب نباتی تعارف

می‌کند» (همان: 118). همچنین هادی ابراهیمی در دورانی که نزد «ملاها» علم می‌آموخت توسط آنها مورد تجاوز قرار می‌گرفت: «... و گرفت. بند لیفهام را گرفت. باز کرد. لختم کرد. گریه می‌کردم و ...» (همان: 233-234).

#### 4-10) گریز از خود

گریز از خود یا خودناپذیری از عوامل گرایش به بدبینی و پوچ‌گرایی است. گریز از خود یعنی اینکه فرد از وضعیتی که دارد ناراضی است. این افراد همواره در پی خوشی و تغییر وضعیت موجود هستند. هادی ابراهیمی از فرزندش در پاریس حکایت می‌کند که به دنبال تغییر جنسیت است و جدیداً هم جنس باز شده است «خواهرش نوشته است شب‌ها گریه می‌کند. همجنس‌باز شده است» (همان: 224). همین موضوع در مورد خانواده‌های ثروتمندی چون خانواده هادی ابراهیمی که به خارج از ایران می‌روند نیز دیده می‌شود: «خواهرش نوشته است. شب‌ها گریه می‌کند. حشیش می‌کشد و گریه می‌کند. می‌ترسد. می‌ترسد همجنس‌باز شده باشد» (همان: 224). فرزند دیگر هادی ابراهیمی هم «در پاریس دربه‌در به دنبال پیدا کردن حشیش و مرد خشکل است» (همان: 228).

فرد پوچ‌گرا تحت تاثیر حوادث و اتفاقاتی که پیرامون او در حال رخ دادن است دچار بی‌ثباتی و ترس می‌شود و از فقدان اعتماد به نفس رنج می‌برد و به همین دلیل همواره نسبت به همه چیز دچار تردید و شک است. این شک، همه چیز را شامل می‌شود و در این میان، دین و باورهای دینی نیز از این شک در امان نخواهند بود. در شبِ هول نیز هدایت اسماعیلی از دین ریایی مردم زمانه به گونه‌ای دیگر سخن می‌گوید: «دریافتم که مذهب جلوه‌ای دوگانه دارد. هنگامی که رفتار آدمیان پیرامونم را به دقت می‌پاییدم می‌دیدم که کمتر کسی پای‌بند به واقعیت مذهبی است. می‌دیدم که کاسب‌کاری دروغ می‌گوید نماز هم می‌خواند. کسی که روزه دارد عملش مغایر با روزه گرفتنش است» (همان: 122). داعی وقتی که می‌بیند مردم و اطرافیان و حتی روحانیون به وسیله دین مردم را فریب می‌دهند و به قتل و غارت آنها می‌پردازند، دچار شک در اعتقادات و دین اسلام می‌شود: «اکنون همه آداب شریعت معنی خود را برای او از دست داده بود. اکنون می‌دید که درس کلام یا فقه یا علم حدیث چقدر خالی از خداست. نمی‌خواست بخواند. کلمه‌ها آزارش می‌داد ... هنگامی که از نجف یک‌سر به نائین بازگشت مصمم بود از طلبگی دست بردارد. حتی می‌خواست بی آن‌که بر زبان آورد راه ارتداد در پیش گیرد» (همان: 46-48).

#### 4-11) صیغه

هادی ابراهیمی به دلیل اینکه در دوران کودکی مورد تجاوز قرار گرفته است، اکنون احساس حقارت می‌کند و دچار بیماری روانی شده است و دچار بی‌ثباتی و عقده جنسی می‌شود و در سن شصت سالگی خواهر زنش را که مجرد است، به صیغه خود درمی‌آورد: «بالاخره ایران خانم را وادار کردم. گفتم صیغه‌ات می‌کنم به شرطی که بگذاری. یا بگذاری تا صیغه‌ات کنم» (همان: 205).

#### 4-12) ترس و اضطراب

اساسی‌ترین ویژگی فرد پوچ‌گرا، دگرگون شدن احساس زندگی طبیعی است. زندگی دیگر موجبات رضایت او را فراهم نمی‌آورد، آرامش روحی، فردی و اجتماعی خود را از دست می‌دهد و مدام در وا همه به سر می‌برد. هدایت اسماعیلی در رمان شب هول ترس را بخشی از وجود آدمی می‌داند که او را از بسیاری از امور ناشایست منع می‌کند: «و ترس ما لاک ماست» (همان: 24). اختناق و جو حاکم سیاسی باعث ترس در وجود روشنفکران شده است: «حالا همه ما می‌ترسیم. یا من چنین خیال می‌کنم. حالا همه‌مان از شدت ترس فلج شده‌ایم ...» (همان: 60). هدایت اسماعیلی که اکنون کودکی بیش نیست از شب‌های هولناک روستا می‌ترسد: «می‌ترسم. می‌ترسم و در عین حال از استمداد از آقا بزرگ و نانا عاجزم» (همان: 79).

#### نتیجه‌گیری

از این نوشتار برمی‌آید که می‌توان در رمان «شب هول» ویژگی‌های تفکر پوچ‌گرایانه را مشاهده کرد. این نویسنده ضمن روایت‌های تودرتو، از نابسامانی‌ها و شخصیت‌های پوچ‌گرا و بی‌هویت سخن می‌رود که تمامی اصول زندگی واقعی را زیر پا گذاشته‌اند و به هیچ کدام از ارزش‌های متعالی و قوانین اخلاقی و اجتماعی پایبند نیستند و می‌کوشند در چارچوب ارزش‌های خود زندگی کنند. راوی حوادث و ماجراهایی را در دوران گذشته، حال و آینده روایت می‌کند. با خوانش دقیق متن و دریافت و طبقه‌بندی مضامینی که در روستا متن وجود دارند، مضمون مرکزی پوچ‌گرایی برای ما روشن می‌شود. مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی‌ای که در متن مورد بررسی قرار گرفته‌اند عبارتند از: جنگ‌ها و قتل و غارت، بدبینی نسبت به نهضت‌ها، بدبینی به احزاب، اختناق و ترس، فقر و تبعات حاصله از آن (تن فروشی، فرزند فروشی و ...)، بیماری‌های لاعلاج، طلاق، صیغه، اعتیاد، روی آوردن به انواع سکریات، شکنجه‌های فجیع، فساد اخلاقی، جریانات ادبی نو، ادبیات پوچ و بی‌معنی، روی آوردن به اندیشه‌های عامه و بی

توجهی به این اندیشه‌ها، شک در باورها و غیره. همه این مضامین از ویژگی‌های تفکر پوچ‌گرا هستند که در این متن نمود یافته است. در واقع اشخاص رمان با نادیده گرفتن معنای زندگی، آن را پوچ و بیهوده می‌دانند و زندگی انسان را فاقد ارزش و اعتقاد دانسته‌اند.

## منابع

- ایرانی، ناصر (1364). **داستان: تعاریف، ابزارها و عناصر**. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- بابک معین، مرتضی (1389). **نقد مضمونی؛ آراء و اندیشه‌ها و روش‌شناسی ژرژ پوله**. تهران: علمی فرهنگی.
- دستغیب، عبدالعلی (1387). **در آینه نقد**. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی
- زرشناس، شهریار (1385). **نیپیلیسم**. تهران: کانون اندیشه جوان.
- زمانیان، علی (1385). «نیپیلیسم از انکار تا واقعیت». **فصلنامه راهبرد**. ش 40. صص 87-114.
- ستوده، هدایت‌الله (1378). **جامعه‌شناسی در ادبیات فارسی**. با همکاری مظفرالدین شهبازی. تهران: آوای نور.
- سمیعی گیلانی، احمد (1386). «مضمون، مایه غالب و نماد». **نامه فرهنگستان**. ش 34. صص 49-59.
- شفیعی، کدکنی، محمدرضا (1389). **مفلس کیمیا فروش؛ نقد و تحلیل شعر انوری**. تهران: سخن.
- شمیسا، سیروس (1383). **نقد ادبی**. تهران: فردوس.
- شهدادی، هرمز (1357). **شب هول**. تهران: زمان
- فاضلی، نعمت‌الله (1374). «درآمدی بر جامعه‌شناسی هنر و ادبیات». **فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی**. ش 6 و 7. صص 107-134.
- کاپلستون، فردریک چارلز (1388). **از من دوبیران تا سارتر**. ترجمه عبدالحسین آذرنگ و سید محمود یوسف ثانی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کراسی، داندای (1383). «نیپیلیسم». ترجمه محمود لطفی. **نامه فرهنگ**. ش 54. صص 107-111.
- کوثری، مسعود (1379). **تأملاتی در جامعه‌شناسی ادبیات**. تهران: باز.
- لوونتال، لئو (1386). **رویکرد انتقادی در جامعه‌شناسی ادبیات**. ترجمه محمدرضا شادرو. تهران: نی.
- مشایخی، حمیدرضا؛ دهنوی، محمود (1390). «جلوه‌های نیپیلیسم در اشعار ایلیا ابوماضی». **فصلنامه لسان‌المبین**. سال دوم، ش 4. صص 229-253.
- میرعابدینی، حسن (1380). **صد سال داستان نویسی در ایران**. ج 2. تهران: چشمه.
- نصری، عبدالله (1382). **فلسفه آفرینش**. تهران: دفتر نشر معارف.



- نوالی، محمود (1379). *فلسفه‌های اگزیزتانیس و اگزیزتانیسیالیسم تطبیقی*. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
- وحید، فریدون (1387). *جامعه‌شناسی در ادبیات فارسی*. تهران: سمت.
- ولک، رنه؛ وارن آستین (1373). *نظریه ادبیات*. ترجمه پرویز مهاجر و ضیاء موحد. تهران: علمی و فرهنگی.